برادر این مرد تنها مظنون آتش افروزی است

مرگ معمایی مردی که ۷ بار ازدواج کرد

مردی که هفت بار ازدواج کرده بود، در مجیدیه تهران به طرز مرموزی در آتش سوزی کشته شد و پلیس را با یک معمای پیچیده روبه رو کرد. این آتش سوزی مرگبار بعد از یک سال با دستگیری برادر مقتول وارد مرحله تازه ای شد.

■ مرگ مرموز

ساعت ۸ صبح ۱۳ مهر سال ۹۷ آتش سوزی خانه‌ای در منطقه مجیدیه تهران به سازمان آتش نشانی مخابره شد و خیلی زود تیمی از آتش نشانان برای مهار این آتش سوزی وارد عمل شدند.

ماموران با حضور در محل حادثه که یک ساختمان هفت طبقه بود، مشاهده کردند طبقه دوم ساختمان دچار آتش سوزی شده است که عملیات آغاز و حریق مهار شد.

در صحنه حادثه، مرد ۶۳ ساله‌ای نیمه جان روی زمین افتاده بود که تکنیسین های اورژانس وارد عمل شدند و پس از اقدامات ابتدایی این مرد را به بیمارستان منتقل کردند اما تلاش پزشکان به نتیجه نرسید و مرد سوخته به کام مرگ فرورفت.

■ فرار برادر

در حالی که آتش سوزی مرموز به نظر می‌رسید، ماموران خانواده مرد تنها را زیر نظر قرار دادند و بعد از برگزاری مراسم خاک سپاری، برادر مرد سوخته به طرز مرموزی ناپدید شد. ناپدید شدن این مرد در حالی بود که تیم پلیسی در تحقیقات میدانی پی بردند ۱۲۰ میلیون تومان از حساب مرد سوخته برداشت شده است. تیم جنایی در ادامه تجسس ها متوجه شدند که مرد سوخته هفت بار ازدواج کرده است و قبل از این که سکته کند و زمین گیر شود، از آخرین همسرش جدا شده و بعد از طلاق برادر کوچک ترش از او مراقبت می کرد.

■ تسلیم شدن برادر فراری

روز دوشنبه ۱۴ مرداد امیر ۵۳ ساله به پلیس آگاهی تهران رفت و ماموران وقتی متوجه شدند او همان متهم فراری پرونده آتش سوزی مرگبار است، با دستور بازپرس پرونده، امیر را دستگیر کردند.

■ بازجویی

امیر صبح دیروز در مقابل بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران قرار گرفت و گفت: چند ماه قبل از حادثه آتش سوزی، برادرم از آخرین همسرش جدا شد و به تنهایی زندگی می کرد تا این که دو ماه قبل از مرگ او، زن برادرم با من تماس گرفت و گفت که برادرم سکته کرده و زمین گیر شده است و خواست از شهرستان به تهران بیایم تا از او مراقبت کنم. وی افزود: در تبریز لوازم گلخانه می فروختم اما کارم را تعطیل کردم و همراه همسر و فرزندم به تهران آمدم، به برادرم کمک می کردم و سهام یک مهمان سرا در میدان راه آهن متعلق به من بود و هر دو روز یک بار به آن جا می رفتم و سهم خودم را می گرفتم. وی ادامه داد: همه چیز عادی پیش می رفت تا این که یک روز در بازار بودم که زن برادرم با من تماس گرفت و خواست زود به خانه بروم، وقتی ماجرا را پیگیر شدم شنیدم که خانه برادرم آتش گرفته است. به سرعت سوار بر موتور به خانه برادرم رفتم که دیدم آتش خاموش و برادر نیمه جانم به بیمارستان منتقل شده است. امیر گفت: تلاش پزشکان بی نتیجه ماند و برادرم فوت کرد و بعد از این که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد مراسم خاک سپاری را انجام دادم و به تبریز رفتم. در این مدت اطلاع نداشتم که پلیس در تعقیب من است و ماجرای مرگ برادرم مرموز بوده است. در این یک سال سرگرم زندگی خودم بودم.

■ برداشت ۱۲۰ میلیون تومانی

در این پرونده یکی از موضوعاتی که پلیس به خاطر آن احتمال می دهد آتش سوزی از سوی برادر مقتول صورت گرفته باشد، این بود که ۱۲۰ میلیون تومان از حساب مرد سوخته برداشت شده است. امیر در این مرحله ادعا کرد: ۱۲۰ میلیون تومان سود سهام برادرم بود که قبل از مرگش به من داد، ۶۰ میلیون تومان از برادرم طلب داشتم و بقیه پول را به طلبکارانش پرداخت کردم و هیچ نقشه ای برای رسیدن به سرمایه برادرم نداشتم که قصد داشته باشم او را به قتل برسانم. این مرد گفت: اگر با برادرم مشکلی داشتم از شهرستان به تهران نمی آمدم و از او مراقبت نمی کردم، نمی دانم چرا در برابر اتهام قتل برادرم قرار گرفته‌ام.

■ تحقیقات پلیسی

با توجه به این که نظریه آتش نشانی عمدی یا غیر عمدی بودن این آتش سوزی مرگبار را اعلام نکرده است، بازپرس جنایی دستور داد کارشناسان سازمان آتش نشانی نظریه تکمیلی را اعلام کنند. بازپرس ویژه قتل در این مرحله دستور داد تنها فرزند مرد سوخته که در کشور آلمان مدرس زبان است، تقاضای خود را در خصوص شکایت یا بخشش عمویش در این پرونده اعلام کند. یکی از دلایل مرموز بودن این حادثه وجود مایع اشتعال زا روی پتوی قربانی این حادثه آتش سوزی است. تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد و امیر به دستور بازپرس پرونده در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

پسر پدر کش در دادگاه اعترافات تلخی را بیان کرد

بخشش از قصاص، درخواست حبس طولانی

پسری که پس از کشتن پدرش، جنازه وی را قطعه قطعه کرده بود اعدام نمی شود. این پسر ناخلف دیروز در حالی پای میز محاکمه ایستاد که خواهر و برادرهایش از قصاص وی گذشتند.

■ قتل پدر

عصر شانزدهم بهمن سال ۹۶ پسر جوانی با پلیس تماس گرفت و از جنایت فجیعی که برادر بزرگش به نام بهروز رقم زده بود، پرده برداشت.

وی گفت: چند روز از پدر پیرمان هیچ خبری نداشتیم. آخرین بار پدر با برادرمان بهروز در خانه تنها بود. اما بهروز ادعا می کرد پدرمان خانه را ترک کرده و دیگر باز نگشته است.

وی ادامه داد: چند سال است بهروز معتاد شده و مدام با پدرمان درگیر است. من برادرم را تهدید کردم تا حقیقت را بگوید تا این که گفت پدرمان را کشته و جنازه اش را در انباری خانه قطعه قطعه کرده است. وقتی من و برادر دیگرم به انباری رفتیم با صحنه وحشتناکی روبه رو شدیم.

به دنبال اظهارات این مرد، پلیس به این خانه در شمال تهران رفت و در انباری خانه با جسد مثله شده پیرمرد ۷۰ ساله به نام پیروز روبه‌رو شد.

جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و بهروز قتل را گردن گرفت.

■ دردادگاه

پسر ناخلف دیروز در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و در ابتدای این جلسه دو برادر و خواهر وی اعلام گذشت کردند.

برادر بزرگ وی گفت: بهروز سال ها اعتیاد داشت. او ۲۰ سال از عمرش را به خاطر سرقت و اعتیاد در زندان گذرانده بود. پدرمان گرچه آدم بد اخلاقی بود اما مستحق چنین مرگ سختی نبود. بهروز پدرمان را کشت و جسد او را تکه تکه کرد.

وی ادامه داد: من و خواهر و برادرم نمی توانیم بهروز را بالای دار ببینیم به همین خاطر از قصاص گذشت می کنیم. اما از دادگاه می خواهیم بهروز را به حبس طولانی مدت محکوم کند. چرا که گمان می کنیم وجود او برای جامعه خطرناک است.

دختر قربانی نیز در حالی که اشک می ریخت گفت: پدرمان اگر چه در زندگی اشتباهات بزرگی مرتکب شده بود اما هرگز مستحق چنین مرگی نبود. مادرمان بعد از این ماجرا به شدت آسیب روحی دیده و چشمان او در آستانه نابینایی است. آبرویمان پیش فامیل و همسایه ها رفته است اما نمی توانیم برادرمان را قصاص کنیم. به همین خاطر برایش اشد مجازات می خواهیم.

سپس بهروز ۴۷ ساله به اتهام قتل، اختفای جسد و جنایت بر میت در جایگاه ویژه ایستاد و اتهاماتش را قبول کرد. وی گفت: پدرم مرد بد اخلاقی بود. او رفیق باز بود و به من و خواهر و برادرهایم سخت می گرفت، به شدت خسیس بود و حتی گاهی اوقات که بیمار می شدیم پولی برای رفتن به بیمارستان به ما نمی داد. من از این وضعیت خسته شده و بارها با پدرم درگیر شده بودم.

وی ادامه داد: آن روز از پدرم پول می خواستم تا مواد بخرم اما او به من پول نداد. به همین خاطر با او درگیر شدم. دو برادرم سر کار بودند و خواهرم، مادرم را به بیمارستان برده بود که بار دیگر سراغ پدرم رفتم تا از او پول بگیرم اما پدرم یک باره با شمشیری که در خانه داشت به سمت من حمله کرد. من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم، قمه ای را برداشتم و یک ضربه به پدرم زدم. وقتی دیدم پدرم نفس نمی کشد جسد او را از طبقه بالا به داخل زیرزمین بردم. شب ها وقتی خانواده ام می خوابیدند به انباری می رفتم و با اره بخش هایی از جسد را تکه تکه و آن را میان اسباب و اثاثیه داخل انباری جاساز می کردم تا در فرصتی مناسب از خانه بیرون ببرم اما برادر کوچکم که به ماجرا مشکوک شده بود تهدیدم کرد اگر حقیقت را نگویم پلیس را خبر می کند. من به او گفته بودم پدرم از خانه بیرون رفته و بازنگشته است اما او حرف مرا باور نکرد تا این که ناچار شدم حقیقت را بگویم.

وی افزود: من ۴۰ سال از زندگی ام را فقط عذاب کشیدم. ۲۰ سال از عمرم را به اتهام ۱۵ سرقت و اعتیاد در زندان بودم و بقیه عمرم را هم در کوچه و خیابان ها سپری کردم. سخت گیری های پدرم باعث شد چیزی از زندگی نفهمم.

وی برای آخرین دفاع گفت: من حرفی برای گفتن ندارم ولی از قضات دادگاه می خواهم کمکم کنند.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

■ تحلیل کارشناس

سخت گیری های منفی

مهدی یعقوبی کارشناس خانواده گفت: در برخی خانواده ها با سخت گیری های شدید پدر یا مادر و گاه برادر بزرگ تر مواجه هستیم که از روی نیت مثبت صورت می گیرد اما به اندازه ای غیر منطقی است که نتایج بر عکسی دارد. وی اظهار کرد: در تربیت فرزندان باید اعتدال را حفظ کرد چرا که با سخت گیری های زیاد گاهی فرزندان از عاطفه پدر و مادر جدا می شوند و چون در خانه هایشان دیگر دوستی ندارند به گونه ای از چهار دیواری خانواده طرد می شوند و به دوستان یا کوچه و خیابان پناه می برند. این کارشناس خانواده گفت: فاصله بین فرزندان با والدین و حتی خواهر از برادر و برادر از برادر باعث بی عاطفه شدن و گسستگی زیاد می شود و چون دیگر تعلق خاطری به مجموعه خانواده ندارند، طبق تاثیر منفی بیرون از خانه می توانند امنیت درون خانواده را به خطر بیندازند و یکی از دلایل اصلی وقوع جنایت های خانوادگی همین فاصله هاست. نعمتی اظهار کرد: باید رسانه ها، آموزش و پرورش و نهادهای اجتماعی اقدامات گسترده ای را آغاز کنند تا اعضای خانواده به مهم بودن رفتار درست آگاه شوند و شاهد این گسستگی های فاجعه بار نباشیم.

دسیسه شیطان برای زنان در جنوب پایتخت

مرد شیطان صفت که زنان مسافر را به حاشیه تهران می کشید و تسلیم نیت شوم خود می کرد، بازداشت شد. اواخر آذر سال گذشته پرونده های مشابهی مبنی بر آزار و اذیت تعدادی از زنان جوان توسط راننده پژو ۴۰۵ پیش روی پلیس تهران قرار گرفت و با دستور بازپرس دادسرای امور جنایی تهران تیمی تخصصی از اداره ۱۶ پلیس آگاهی وارد عمل شد تا راز گشایی کند. همه زنان که سرنوشت های شومی داشتند و آشفته و نگران بودند جزئیات مشابهی را پیش روی افسر تحقیق قرار دادند. پلیس در تحقیق از این زنان دریافت که آن ها در ساعات میانی شب از ۷ عصر تا ۱۰ شب برای رفتن به خانه از محدوده های متروی نواب یا میدان راه آهن به مقصد نازی آباد سوار یک پژو شده اند که راننده آن مردی ۳۰ ساله بوده است. راننده پس از طی مسافتی از میانه راه به سمت اتوبان قم تغییر مسیر می داده و به زور و تهدید با چاقو آنان را آزار و اذیت می کرده است. این زنان اظهار کردند: چون شیشه های ماشین دودی بود هر چه فریاد می زدیم و کمک می خواستیم کسی متوجه نمی شد و او پس از آزار و اذیت، ما را در کنار اتوبان رها می کرد. ما فقط شماره پلاک را سریع برمی داشتیم و چون هوا تاریک بود متوجه رنگ خودرو و این که نوک مدادی یا مشکی بوده است یا پژو پارس یا ۴۰۵، نمی شدیم. کارآگاهان در تحقیقات پلیسی و پایش پلاک های اعلامی موفق به شناسایی مردی سابقه دار و یک پژو ۴۰۵ نقره ای رنگ شدند.

همین کافی بود تا با دستور بازپرس، مرد شیطان صفت، یکم مرداد در محدوده افسریه در حالی که سوار بر خودرویش بود، دستگیر شود.

■ اعتراف شیطان

مرد شیطان صفت که اصرار داشت بی گناه است، در بازجویی ها پیش روی زنان جوان قرار گرفت و چاره ای جز اقرار ندید.

بنابه این گزارش، تجسس ها برای رازگشایی از جزئیات اقدامات این مرد پلید ادامه دارد.

ریاست بوکسور شرور در باند تایسون تهران

گردانندگان باند تایسون که دزدان سریالی تهران بودند، در زندان نقشه های مخوف را طراحی کردند.

یک بوکسور شرور در زندان با دزدان دیگر آشنا شد و بعد از آزادی باند تایسون را راه اندازی کرد.

از سه ماه پیش پلیس تهران گزارش هایی از سرقت های مشابه دریافت کرد که نشان می داد دزدانی در محدوده کلانتری ۱۷۱ مصطفی خمینی و به ویژه اطراف دانشگاه شاهد جولان می دهند.

خیلی زود تیمی از ماموران عملیات کلانتری رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و بعد از مدتی موفق به شناسایی یک پراید شدند که در بیشتر سرقت ها بوده است.

با بررسی های پلیسی مشخص شد مالک این پراید مردی به نام دانیال است که به تازگی از زندان آزاد و با همدستی دو مرد دیگر سرقت ها را مرتکب شده است.

تلاش های پلیسی جریان داشت تا این که مشخص شد دزد اصلی این باند مردی سابقه دار معروف به تایسون و از ورزشکاران رشته بوکس است که بعد از اعتیاد به سرقت روی آورده و به دلیل سرقت و حمل مواد مخدر بیش از چهار سال حبس تحمل کرده است.

ماموران در دو عملیات هماهنگ پلیسی توانستند سه عضو باند تایسون را در محدوده رباط کریم بازداشت کنند.

علی تایسون سردسته این باند و نوچه هایش که می خواستند خودرا بی گناه جلوه دهند، با توجه به تصاویر دوربین مداربسته موجود از سرقت ها، لب به اعتراف گشودند.

بنابه این گزارش، اعضای باند تایسون تاکنون به ۱۰۰ سرقت اعتراف کرده و مدعی شده اند که قرار این سرقت ها را در زندان و هنگام تحمل آخرین حبس خود گذاشته بودند.

■ توصیه پلیس

سرکلانتر دهم پلیس پایتخت در توصیه هایی گفت: افراد در صورت پارک کردن خودروهای خود در خیابان، نکات ایمنی و پیشگیرانه در زمینه سرقت خودرو را رعایت کنند و از پارک خودرو در مکان های خلوت و تاریک بپرهیزند تا از دستبرد سارقان حرفه ای به خودروهایشان در امان بمانند.

هفت تیر کشی زن تهرانی برای سرقت از طلافروشی

زن هفت تیرکش که با حمله به طلافروشی هزار سکه طلا به جیب زده بود، بازداشت شد.

طلافروشی واقع در پاساژ ارگ در بند با مجهز بودن به سامانه مها- مرکز هشدار الکترونیک- از این دستبرد در امان ماند.

روز سه شنبه با فعال شدن سامانه مها از طریق یک طلافروشی واقع در پاساژ ارگ منطقه در بند، به سرعت ماموران عملیات کلانتری در بند وارد عمل شدند و با حضور در طلافروشی اقدام به دستگیری دزدی کردند که قصد سرقت از این مغازه را داشت.

تجسس های میدانی نشان داد زن ۳۴ ساله ای با حضور در طلافروشی و تهدید مرد جواهرفروش با کلت کمری خواستار سرقت هزار سکه طلای بهار آزادی شده است.

در بازرسی از زن هفت تیرکش یک شوکر الکتریکی نیز به دست آمد و مشخص شد سلاح مذکور، یک تپانچه ساچمه زن بادی با بدنه فلزی است.

تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.